

گزارش

طالبان در میان محافظان نیروهای امریکایی

مطابق یکی از تازه‌ترین گزارش‌های سنای امریکا احتمال می‌رود بخشی از هزینه تامین امنیت در افغانستان به جیب نیروهای طالبان سرازیر شود. ظاهراً شماری از کارمندان شرکت‌های خصوصی امنیتی در افغانستان از افراد طالبان هستند. امریکاییان برای تامین امنیت خود در افغانستان بیش از پیش به خدمات شرکت‌های خصوصی امنیتی وابسته شده‌اند. یک گزارش سنای این کشور به این نتیجه رسیده که احتمال دارد نیروهای شورش ی طالبان از پولی که برای تامین امنیت نیروهای امریکایی به شرکت‌های خصوصی پرداخت می‌شود، سهم ببرند. این گزارش ابراز نگرانی می‌کند امنیت نیروهای انتلافی در افغانستان به این دلیل در خطر باشد.

احتمال حضور طالبان

کمیسون نیروهای نظامی سنای امریکا در گزارش اخیر خود تردیدها و نگرانی‌هایی را که در روزها و هفته‌های گذشته در مورد آن خبرهایی منتشر شده بود، تقویت کرد. بنابر این گزارش شرکت‌های خصوصی امنیتی طرف قرارداد امریکا در افغانستان در انتخاب همکاران محلی خود دقت لازم را به خرج نمی‌دهند. به این ترتیب امکان استخدام و به کار گرفته شدن مجرمان و افراد ارشد طالبان در این شرکت‌ها منتفی نیست.امریکا برای حفاظت از پایگاه‌ها و مراکز خود به شرکت‌های خصوصی وابسته است، بدون آنکه قادر باشد بر کار آنها نظارت دقیقی داشته باشد. به گزارش منابع خبری، حدود ۲۶هزار نیروی محلی در استخدام این شرکت‌های خصوصی هستند.

شرکت‌های خصوصی، حافظ امنیت

کار لوین سناتور جمهوریخواه که ریاست کمیسون نیروهای نظامی سنای امریکا را بر عهده دارد، می‌گوید گزارش‌هایی در دست است که نشان می‌دهد برخی از افراد استخدام‌شده در این شرکت‌های خصوصی علیه تشکیلات خودی فعالیت کرده‌اند. این کمیسون در بررسی دیگری که ماه ژوئن سال جاری انجام شده، برآورد کرده بود بابت حفاظت از نیروهای گشتی ایالات متحده سالانه میلیون‌ها دلار به نیروهای شبه‌نظامی در افغانستان پرداخت می‌شود. سناتور لوین ابراز نگرانی می‌کند این پول‌ها که مالیات‌دهندگان ایالات متحده آن



را تامین می‌کنند صرف تضعیف نیروهای ائتلاف شود. در گزارش یادشده با توجه به گستردگی استفاده از نیروهای امنیتی محلی به دشواری حکومت افغانستان برای جذب و استخدام سرباز و نیروهای نظامی نیز اشاره می‌شود.

۶۰ شرکت خصوصی با ۳۰ هزار نیرو
افزایش استفاده از نیروهای شبه‌نظامی و شرکت‌های خصوصی امنیتی از منظر دیگری نیز جنجال‌برانگیز بوده است. شبکه اطلاع‌رسانی افغانستان ۱۶ مردامده سال جاری از قول حامد کرزی رئیس‌جمهور افغانستان نوشت: «شرکت‌های خصوصی امنیتی تا حد زیادی باعث ناامنی در کشور شده‌اند و مردم از حضور آنها که خلاف منافع ملی افغانستان است به ستوه آمده‌اند لذا کلیه این شرکت‌های خارجی و داخلی باید تعطیل شده و کارمندان این شرکت‌ها به نیروهای امنیتی کشور بپیوندند.» این شبکه اطلاع‌رسانی به نقل از منابع دولتی می‌نویسد: «حدود ۶۰ شرکت خصوصی امنیتی در کشور مشغول فعالیت بوده و هستند.» بنابر این گزارش نیمی از این شرکت‌ها خارجی و بقیه افغان هستند. مطابق آمار رسمی دولت افغانستان از ۳۰ هزار نیرویی که در اختیار این شرکت‌ها قرار دارند بیش از ۲۰ هزار نفر افغان هستند.

همکاری با تروریست‌ها و جاسوس‌ها

شبکه اطلاع‌رسانی افغانستان در گزارش خود شرکت‌های خصوصی امنیتی در افغانستان را به همکاری با نیروهای اطلاعاتی ایالات متحده و جاسوسی متهم می‌کند. به نوشته این پایگاه اطلاع‌رسانی و بر اساس آنچه «اطلاعات مردمی» ذکر شده، دولت قادر به نظارت بر فعالیت شرکت‌های خصوصی امنیتی نیست و بسیاری از آنها با سوءاستفاده از موقعیت خود به «دزدی، قاچاق مواد مخدر و اسلحه و تخلفات دیگر» اقدام می‌کنند. حامد کرزی حدود دو ماه پیش خواستار توقف فعالیت شرکت‌های خصوصی امنیتی ظرف چهار ماه و جایگزینی آنها با نیروهای دولتی شده بود. اوایل هفته جاری منابع خبری افغان از لغو مجوز هسته شرکت امنیتی خبر دادند که تعدادی از آنها از جمله بزرگ‌ترین و فعال‌ترین نیروهای حفاظتی غیردولتی در منطقه به شمار می‌روند. رئیس‌جمهور افغانستان نیز همکاری برخی از نیروهای فعال در این شرکت‌ها را با گروه‌های تروریستی محتمل ارزیابی کرده بود.

تدابیر پیشگیرانه

خبرگزاری آلمان در گزارشی به نقل از روزنامه نیویورک تایمز می‌نویسد شماری از پایگاه‌های نظامی امریکا در افغانستان توسط نیروهای محلی‌ای حفاظت می‌شود که «با طالبان و نیروهای اطلاعاتی جمهوری اسلامی ایران در ارتباط هستند». ناظران معتقدند با توجه به افزایش نارضایتی دولت افغانستان و نگرانی ایالات متحده از رخنه نیروهای طالبان در میان نیروهای امنیتی خصوصی احتمال محدود شدن فعالیت آنها نیز بیشتر شده است. گرچه منابع خبری گزارش می‌دهند وزیر دفاع امریکا هشدار داده، صرف‌نظر کردن از خدمات تمام نیروهای امنیتی محلی «عملاً ناممکن است»، رابرت گیتس بدون اشاره به جزئیات خاطرنشان می‌کند در جریان مشکلات نیروهای امنیتی خصوصی قرار گرفته و تدابیر پیشگیرانه‌ای اتخاذ کرده است.

تحولاتی جدید در عرصه انتخابات امریکا

برای اولین بار در ایالات متحده دو جنبش اجتماعی اکتیو بسیار جلوتر از احزاب دموکرات و جمهوریخواه در

آستانه انتخابات حساس کنگره در ماه نوامبر در مقابل هم صف کشیده‌اند. در یک سو نومحافظه‌کاران، ملی‌گرایان، مهاجرستیزان، اخلاقی‌گرایان، کلیسایان انجیلی، حامیان سلاح و پشت‌پرده بزرگ‌ترین کنسرن‌های تسلیحاتی و انرژیی در منتهی‌الیه حزب جمهوریخواه در جنبش موسوم به «میهمانی جای» در اول صف مبارزه جای گرفته‌اند و از دیگر سو لیبرال‌ها و چپگرایان، هواداران محیط زیست، سندیکاهای کارگری- کارمندی، روشنفکران، مهاجران، حامیان حقوق همجنس‌گرایان، نهادهای مدنی، فعالان حقوق بشری، مخالفان جنگ و طبقه متوسط از پیشقراولی رادیکال‌های دموکرات در جنبش «یک ملت» خود را سازماندهی کرده‌اند. در روز ۱۲ سپتامبر تی‌پارتی‌ها به تظاهرات و اعتراضات ده‌ها هزار نفری خود را با مارش‌های کلیسایی و شعار «حیای عزت» به دعوت «گلن بک» مبعری معروف فاکس نیوز و «سارا پیلن» کاندیدای شکست‌خورده معاونت ریاست‌جمهوری در میدان «تشنال سال» به رخ کشیدند. روز شنبه دوم اکتبر نیز در یک اقدام متقابل جنبش یک ملتی‌ها با تظاهرات ده‌ها هزار نفری خود در حمایت از

حقوق مدنی و فرصت‌های شغلی و تحصیلی وارد عرصه این مبارزه شدند. لیبرال‌ها نیز در یک مشابهت‌سازی تعمدی در میدان‌نشال‌مال به دعوت «اد شولتز» مجری معروف شبکه تلویزیونی ان‌بی‌سی و «جسی جکسون» فعال شناخته‌شده مدنی در این گردهمایی شرکت کردند. هر دو جنبش راست و چپ که طی یک ماه اخیر به صورت فعال با به عرصه مبارزه گذاشته‌اند هر چند وابستگی و دیناله خود را به نوعی در حزب جمهوریخواه و دموکرات جست‌وجو می‌کنند ولی متفق‌القول بر این نکته انگشت گذاشته‌اند که آنان مستقل از احزاب موجود و متمایل به فراگیر بودن این حرکت، ظهور و بروز یافته‌اند. از آنجا که امریکا تا به امروز به طور انحصاری قدرت بلامنازع خودیش است که همین تحول تاریخی نظر می‌رسد تحولات جدید در عرصه سیاسی- اجتماعی این کشور را باید یک رخداد نوین برای شکستن انحصار و تاثیر بیشتر جنبش‌های مدنی در فضای سیاسی موجود تحلیل کرد. این موضوع را به نوعی می‌توان تغییر در نظام لیبرال‌دموکراسی امریکایی به حساب آورد که به تدریج در حال دگردیسی به سمت لیبرال‌دموکراسی اروپایی با به رسمیت شناختن تکثر و پذیرش تاثیر جنبش‌های مدنی

در عرصه سیاسی قابل تعریف است.

۱- افول و انفعال احزاب انحصاری:
در تاریخ معاصر امریکا قدرت سیاسی همواره بین دو حزب حاکم بر عرصه سیاسی این کشور به تناوب در حال چرخش بوده است. بعد از جنگ جهانی دوم حزب جمهوریخواه و حزب دموکرات به تدریج خرده‌جنبش‌ها را در درون خود هضم کرده و مسیر دستنایی به قدرت را از کانال تشکیلات انحصاری و توان کلان مالی جهت حضور در رقابت‌های انتخاباتی سامان دادند. بعد از یک دوره شکوفایی ناشی از فروپاشی شوروی و هژمونی امریکا بر جهان، هم‌اکنون این کشور به لحاظ اقتصادی، سیاسی، نظامی و اجتماعی در حال از دست دادن قدرت بلامنازع خویش است که همین تحول تاریخی موجبات افول و انفعال تکوینی در احزاب حاکم را فراهم کرده است. عدم توانایی احزاب جمهوریخواه و دموکرات برای حفظ قدرت هژمونیک و شکوفایی اقتصادی کشور و رقابت با قدرت‌های نوظهور چون چین و هند، جایگاه این احزاب را در افکار عمومی به میزان زیادی مخدوش کرده است. در چنین شرایطی پتانسیل و خواست‌های نهفته در جامعه امریکایی بالاتر از ظرفیت احزاب فوق است که به

تحولاتی جدید در عرصه انتخابات امریکا

احزاب سیاسی متاثر از نبرد جنبش‌های مدنی

اردشیر زارعی قنواتی



همین دلیل زمینه برای ظهور و نقش تاثیرگذار جنبش‌های مدنی برای پوشش این نقصان فراهم می‌شود.

۲- جنبش‌های مدنی آلترناتیوی برای تغییر:
ماهیت جنبش‌های مدنی انعکاس افکار و تمایلات طبقات و لایه‌های موجود در بطن جامعه است که بسیط‌تر از احزاب سیاسی موجود حداقل در موقعیت زیرین، فراتشکلیاتی عمل می‌کنند. معمولاً در جوامع دموکراتیک و حتی غیردموکراتیک جنبش‌های اجتماعی نقش اهرم فشار را از پایین به راس هرم قدرت ایفا کرده و خود موقعیت دوگانه ترمز یا پدال گاز در مواجهه با نظم حاکم و تشکیلات قدرت را خواهند داشت. ظهور و بروز جنبش‌های مدنی راست و چپ در امریکای امروز نشان می‌دهد در شرایط تکوینی احزاب سنتی بازخورد و حامل منافع اکثریت اجتماعی نبوده و این پدیده نسبتاً جدید در جامعه امریکایی بیش از هر چیز ناشی از این خلاء سیاسی- اجتماعی در عرصه سیاسی بوده است. این حرکت و تحول جنبشی در ایالات متحده برای اولین بار در انتخابات ریاست‌جمهوری اخیر خود را نشان داد و «باراک اوباما» رئیس‌جمهوری این کشور پیروزی خود را بیش از هر عامل دیگری مدیون همین

فضای جنبشی بود. نتایج انتخابات کنگره در ماه نوامبر در این کشور نیز برخلاف گمانه‌زنی‌های موجود در مورد جایگاه احزاب دموکرات و جمهوریخواه، بیشتر به آرایش نیروها و مبارزه سیاسی- اجتماعی بین دو جنبش محافظه‌کار تی‌پارتی و جنبش لیبرال یک ملت بستگی دارد.

۳- تاثیر جنبش‌های مدنی بر تحولات

سیاسی امریکا:
در شرایطی که به ادعای باراک اوباما حزب دموکرات برای رقابت در انتخابات نوامبر به صورت انفعالی حرکت می‌کند و در انتخابات درون‌حزبی جمهوریخواهان نیز محافظه‌کاران حامی جنبش تی‌پارتی بر کاندیدای باسابقه حزبی پیروز شدند، به نظر می‌رسد این انتخابات نتیجه همواردی جنبش‌های تازه سر برآورده محافظه‌کار و لیبرال خواهد بود. از آنجا که جنبش میهمانی جای در بزنگاه انتخابات کنگره موجب گسست‌های آشکار در درون حزب جمهوریخواه شد و در عوض جنبش لیبرال برای پوشاندن ضعف حزب دموکرات و حمایت از اوباما به عرصه آمده است، این آرایش جدید نیرو بیشتر در نتیجه نهایی به نفع حزب دموکرات تمام می‌شود. جدا از تاثیر کوتاه‌مدتی که جنبش‌های فوق بر نتایج مبارزات سیاسی نوامبر خواهند گذاشت، این تحول تازه در فضای سیاسی امریکا موجب

ظهور و بروز یک موقعیت آلترناتیوی باز و تکثر کمی و کیفی در عرصه سیاسی این کشور خواهد شد.

۴- جنبش‌های مدنی و سیاست مطالبه‌محوری:

اصولاً جنبش‌های اجتماعی بر اساس طرح مطالبات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی فراتر از برنامه‌های کلیشه‌ای موجود برای تاثیر بر وقایع جاری شکل می‌گیرد. اینکه در یک جامعه باز در کنار احزاب حاضر در عرصه سیاسی کشور همزمان دو جنبش متضاد مدنی در صدر مبارزات سیاسی قرار می‌گیرند، نشان‌دهنده وجود خواست و مطالباتی است که در این موقعیت انحصاری توجه مطلوبی به آن نشده است. رهبران و سازمان‌دهندگان چنین جنبش‌هایی در این مقطع از تاریخ امریکا احساس می‌کنند قالب و جایگاه دو حزب دموکرات و جمهوریخواه فاقد پاسخگویی به مطالبات آنان بوده است. مطالبه‌محوری جنبش‌های اجتماعی یک فشار مضاعف را بر احزاب سنتی موجود اعمال می‌کند که در آستانه انتخابات نوامبر می‌تواند بسیاری از پیش‌بینی‌های کنونی را به جهت پرنسیب‌های زلاتینی خود در هم شکسته و تحلیلگران سیاسی را با تعجب روبه‌رو کند.

نیم‌نگاه

مدافع حقوق بشر برنده نوبل صلح:

کلمات جنایتکار نیستند

گروه بین‌الملل: سرانجام با وجود تهدیدهای علنی و غیرعلنی دولت چین جایزه نوبل صلح سال ۲۰۱۰ به لیو شیائوپو منتقد سرسخت دولت چین و فعال حقوق شهروند تعلق گرفت. شیائوپو استاد ادبیات و نویسنده چینی است که سال گذشته به اتهام تلاش برای تضعیف نظام در چین به ۱۱ سال زندان محکوم شد. این فعال حقوق شهروندی سال ۲۰۰۸ با انتشار یک مانیفست خواستار آزادی بیان و برگزاری انتخابات آزاد با حضور احزاب متنوع در چین شده بود.

دادگاهی که برای محاکمه لیو شیائوپو در دسامبر سال گذشته برگزار شد، غیرعلنی بود و وکلای این نویسنده فقط ۲۰ دقیقه فرصت دفاع از موکل‌شان را داشتند. لیو شیائوپو ریاست انجمن قلم چین را بر عهده دارد و در دسامبر سال گذشته به دلیل آنچه دادگاه آن را «به چالش کشیدن دولت» خواند به ۱۱ سال زندان محکوم شد. آن زمان بسیاری از نویسندگان و هنرمندان سرشناس جهان و برخی دولتمردان غربی به این حکم اعتراض کردند، اما این اعتراضات به جایی نرسید. در بند هشتم بیانیه انجمن قلم چین که به امضای نویسندگان مخالف دولت و از جمله لیو شیائوپو رسیده، این جمله نوشته شده است: «ما خواهان آن هستیم که دولت بیش از این به کلمات بار معنایی جنایتکارانه ندهد.» اما ظاهراً دولت چین کلمات را به گونه‌ای دیگر درک می‌کند. نویسندگان در بیانیه انجمن قلم چین خواستار «تغییر نظام حکومتی چین»، «زادی بیان» و همچنین «اصلح سیاسی و اجتماعی چین» شده بودند. با محکومیت سنگین این نویسنده معترض، هو جین‌تاؤ دبیر کل حزب کمونیست و همچنین ون جیاپائو نخست‌وزیر چین قصد داشتند صدای نویسندگان مخالف را در نطفه خفه کنند و مانع از شکل‌گیری نهضت تغییرات در چین شوند. مشکلات زمست‌محیطی در چین، فاصله طبقاتی بین غنی و فقیر و همچنین مخالفت روزافزون تبتی‌ها، حکومت چین را متزلزل کرده است.

در این میان واسللا هاول، دادلایی لا‌ما و دسموند توتو که هر سه از برندگان جایزه صلح نوبل در سال‌های



گذشته هستند خواسته بودند نوبل صلح امسال به لیو شیائوپو اهدا شود.

محکومیت سنگین لیو شیائوپو به ۱۱ سال حبس آن هم به خاطر عضویت در انجمن قلم و صدور یک بیانیه از نشانه‌های تزلزل در حاکمیت چین است. امسال ۳۳۷ نفر کاندیدای جایزه صلح نوبل بودند. در بین این کاندیداها، علاوه بر لیو شیائوپو نام «هو جیا» فعال مدنی برای احقاق حقوق مبتلایان به بیماری ایدز و همچنین نام جانو زیشنگ وکیل حقوق بشر نیز به چشم می‌خورد. دولت چین قبل از اعلام جوایز نوبل از راه‌های دیپلماتیک به گونه‌ای کمیته نوبل را تحت فشار قرار داده بود که نوبل صلح، امسال به لیو شیائوپو بدهد تا مخالفان حکومت کمونیستی در چین و از فعالان آزادی بیان در این کشور تعلق نگیرد. گیر لوندستاد رئیس کمیته نوبل ۱۰ روز پیش از اعلام اسامی برندگان نوبل در شبکه تلویزیونی «ان‌آرکی» نروژ گفت فو بینگ وزیر امور خارجه چین در دیداری که به ماه ژوئن با او داشته است، تهدید کرده اگر جایزه نوبل به یکی از نویسندگان مخالف دولت چین تعلق بگیرد، روابط سیاسی بین چین و نروژ تیره خواهد شد، گرچه فو بینگ معاون وزیر امور خارجه چین در یک کنفرانس مطبوعاتی در پکن تحت فشار قرار دادن کمیته نوبل را تماماً انکار کرده و گفته بود که همین موقع چنین شایعاتی رسانه‌ای می‌شود و چنانک یو سخنگوی وزارت امور خارجه چین در یک کنفرانس مطبوعاتی دیگر گفته بود به نظر او لیو شیائوپو کاندیدای مناسبی برای جایزه صلح نوبل نیست. این شخص کار غیرقانونی کرده و به همین دلیل هم محاکمه و مجرم شناخته شده است. اهداف جایزه نوبل است.

همسر لیو شیائوپو به آسوشیت‌پرس گفته بود: «دولت چین ثروتمند و قدرتمند است و هرچه را که بخواهد می‌تواند بخرد.» با توجه به مذاکرات اقتصادی دولت‌های چین و نروژ بسیاری از تحلیلگران این احتمال را که یک بار دیگر آزادی بیان و حقوق مدنی و تلاش برای صلح جهانی قربانی منافع اقتصادی دولت‌ها شود دور از ذهن نمی‌دانستند اما وزیر امور خارجه نروژ بارها به رسانه‌ها اعلام کرد دولت چین و پارتی از اعضای حزب کمونیست این کشور تلاش می‌کنند در دیدارهای رسمی و تماس‌های غیررسمی دولت نروژ را تحت فشار قرار دهند تا کاری کند که کمیته نوبل به نویسندگان و فعالان مدنی و حقوق بشر جایزه نوبل را اهدا نکند. اما همان طور که گیر لوندستاد رئیس کمیته نوبل اطمینان داد که کمیته نوبل به هیچ دولتی اجازه نمی‌دهد در تصمیماتش دخالت کند یا آن را تحت فشار قرار دهد سرانجام کمیته نوبل در اسو روز جمعه (هشتم اکتبر/ ۱۶ مهر) ساعت ۱۱ به وقت محلی اعلام کرد که لیو شیائوپو از چین برنده سال ۲۰۱۰ جایزه نوبل صلح است. رئیس کمیته نوبل هنگام اعلام این خبر اظهار داشت با این جایزه از لیو شیائوپو به خاطر «مبارزه طولانی و عاری از خشونت وی برای حقوق بشر در چین» تقدیر می‌شود. جایزه نوبل صلح با ۱۰ میلیون کرون سوئد (برابر با یک میلیون یورو) همراه است. سال گذشته این جایزه به باراک اوباما رئیس‌جمهور امریکا تعلق گرفت.